



## ادله روایی عدم تحریف قرآن

**کلیدواژه:** تحریف قرآن، قرآن، تحریف، پیامبر.

**پرسش:** ادله روایی عدم تحریف قرآن چیست؟

### فهرست مندرجات

- ۱ - روایات دال بر مصونیت قرآن
  - ۱.۱ - قرآن میزان سنجش روایات
  - ۱.۲ - مرجعیت قرآن در وضعیت فتنه
  - ۱.۳ - حدیث ثقلین
  - ۱.۴ - استناد اهل بیت به قرآن موجود
  - ۱.۵ - امر به تمسک به قرآن موجود
- ۲ - پانویس
- ۳ - منبع

### روایات دال بر مصونیت قرآن

گروه‌های مختلفی از احادیث پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) و **اهل بیت (علیهم‌السلام)** به‌طور مستقل یا به صورت انضمامی، دلالت روشنی بر مصونیت قرآن از تحریف دارند، از جمله:

#### ← قرآن میزان سنجش روایات

پاره‌ای از روایات، قرآن را به‌عنوان معیار بازشناخت روایات ناسره از سره معرفی کرده‌اند. این روایات که به «**روایات عرض اخبار بر قرآن**» موسوم‌اند، به‌گونه التزامی گواهی می‌دهند که هیچ تحریفی به قرآن راه نیافته است. روایات یادشده، دو دسته‌اند:

الف - روایاتی که به طور مطلق بر عرضه احادیث بر قرآن تأکید دارند؛

ب - روایاتی که ناظر به احادیث متعارض‌اند و موافقت با قرآن را وجه ترجیح دانسته‌اند. این دست از روایات، به صورت گسترده در **جوامع حدیثی شیعه** و به صورت محدود در **جوامع حدیثی اهل سنت** آمده‌اند. به‌عنوان نمونه **امام صادق (علیه‌السلام)** به نقل از پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) فرموده است:

«قَمَا وَاقِفٌ كِتَابَ اللَّهِ فَخُدُوهُ وَ مَا خَالَفَ كِتَابَ اللَّهِ فَدَعُوهُ. [۱] [۲] [۳]

هر چه موافق قرآن است، بدان عمل کنید و هر آنچه را مخالف آن است، رها سازید.»

پیش فرض ضرورت عرضه احادیث بر قرآن، این است که قرآن به‌عنوان معیار تمیز روایات سره از ناسره، خود، از هر گونه آسیب، جعل و دستبرد، مصون و پیراسته باشد. به عبارت دیگر، میزان بازشناخت روایات سره، قرآن است و در صورتی که تحریفی به قرآن راه یافته باشد، نمی‌توان **یقین** کرد که خود از ناسره پاک است و ارجاع احادیث به معیاری که سلامت خود آن معلوم نیست، معنا ندارد. همین‌طور اگر مصون از کاستی و دستبرد نبود، به طور مطلق نمی‌توانست سنج‌ای برای احادیث مشکوک باشد؛ زیرا با عنایت به گستردگی حجم احادیث و مضبوط نبودن موارد و گونه‌های مقتضی تردید در روایات، هرگونه کاستی در قرآن می‌تواند به اطلاق مورد اشاره در سنجه بودن قرآن برای احادیث آسیب برساند. بنا بر این، دلالت روشن این دسته احادیث، جای تشکیک ندارد.

#### ← مرجعیت قرآن در وضعیت فتنه

بنا بر روایاتی معتبر، **مسلمانان** هنگام پیش آمدن فتنه‌ها باید به قرآن رجوع کنند. این روایات، هیچ فیدی ندارند و مسلمانان را به صورت عام و مطلق، مأمور به رجوع به قرآن می‌کنند، مانند روایت پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) که می‌فرماید:

«إِذَا التَّبَسَّطَ عَلَيْكُمُ الْفِتْنُ كَقَطْعِ اللَّيْلِ الْمُظْلِمِ فَعَلَيْكُمْ بِالْقُرْآنِ؛ [۴] هر گاه فتنه‌ها همچون پاره‌های شب تار، شما را فرا گرفت، به قرآن روی آورید.»

همچنین:

«الْقُرْآنُ هُدًى مِنَ الصَّلَاةِ، وَبَيِّنَاتٌ مِنَ الْعَمَى، وَ... وَ مَا عَدَلَ أَحَدٌ عَنِ الْقُرْآنِ إِلَّا آلَى التَّارِ؛ [۵] قرآن، راه‌نمایی‌ای است در گمراهی، و بینایی‌ای در کوری، و... هیچ کس از قرآن منحرف نمی‌شود، مگر آن که به سوی **دوزخ**، ره سپار می‌گردد.»

این‌گونه روایات را می‌توان از دلایل روایی **تحریف ناپذیری قرآن** دانست؛ زیرا اگر امکان تحریف قرآن فراهم باشد و قرآن، خود، دست‌خوش **فتنه** گردد، نمی‌توان آن را به طور مطلق و بدون قید، پناهگاه مسلمانان در تمام فتنه‌ها دانست.

#### ← حدیث ثقلین

این حدیث، در ردّ ادعای تحریف قرآن، بسیار کارآمد است. با این حدیث، در سه جهت، استدلال می‌شود: نخست، این که در روایات معتبر و متعدّدی از این حدیث آمده است: «**أَتَى مُخَلِّفٌ فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ: كِتَابَ اللَّهِ وَ عِتْرَتِي... [۶] [۷]** من به جا گذارنده دو چیز گران‌قدر در میان شما هستم». در باره حدیث ثقلین و روایات مختلف آن» تعبیر «**مُخَلِّفٌ فِيكُمْ**» دلالت بر این معنا دارد که پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) از میان مردم می‌رود، ولی دو چیز را به جای خود در میان امت بر جای می‌گذارد که یکی از آن دو کتاب الله است، نه بخشی از کتاب الله. **جمله اسمیه** هم مفید ثبات و دوام است. افزون بر این، عبارات ذیل همین روایات

(**روایت ثقلین**)، به روشنی نشان از استمرار این پیش‌بینی و وعده ضمنی پیامبر خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله) تا **روز قیامت** دارد. دوم، این که در این حدیث، بر لزوم تمسک به قرآن در همه زمان‌ها تصریح و تأکید شده و باور به تحریف، عملاً این تمسک را منتفی می‌سازد. سوم، این که قول به تحریف، **حجیت و اعتبار ظواهر قرآن** و در نتیجه تمسک به آن را نفی می‌کند. افتادگی یا تبدیل بخش‌هایی از یک متن، بی‌گمان، فهم استوار آن متن و در نتیجه حجیت آن و قابلیت آن را برای احتجاج، ناممکن می‌سازد؛ زیرا چه بسا در موارد نیاز به تمسک به قرآن، حجّت، در همان بخش افتاده یا تبدیل شده باشد، و یا این بخش، قرینه‌ای برای فهم بخش‌های موجود، بوده باشد. [۸] [۹] [۱۰]

#### ← استناد اهل بیت به قرآن موجود

بنا بر روایات بر شمار، **اهل بیت (علیهم‌السلام)** به مناسبت‌های گوناگون، همواره به قرآن موجود، استناد و تمسک می‌جسته‌اند، حتی به آیاتی که مدّعیان

تحریف، تحریف آنها را ادعا کرده‌اند، مانند آیه (أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولَى الْأَمْرِ مِنْكُمْ؛ از خدا و فرستاده خدا و صاحبان او فرمان برید) که روایات اهل بیت (علیهم‌السلام) (أُولَى الْأَمْرِ) را به امامان دوازده گانه اهل بیت (علیهم‌السلام) تفسیر کرده‌اند. [۱۱] [۱۲]

#### ← امر به تمسک به قرآن موجود

بنا بر روایاتی بسیار، امامان اهل بیت (علیهم‌السلام) مسلمانان را همواره به تمسک، تلاوت، و ختم قرآن موجود، ترغیب می‌کردند و با اشاره به همین مصحف شریف، به آثار و فواید تکوینی و معنوی ختم قرآن توجه می‌دادند. شیخ طوسی در آغاز تفسیر ارزشمند خویش، التبیان فی تفسیر القرآن، با بیان این دلیل و برخی ادله دیگر، این دست روایات را «متناصره» خوانده و بیان کرده است که بحث در باره تحریف، چنان ضعیف است که شایسته پاسخ نیست. [۱۳] روایات مختلفی که برخی از آنها یاد شد، با قطعیت تمام، راه را بر هرگونه تحریف می‌بندند و گواهی می‌دهند که قرآن موجود، همان کتابی است که بر پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) نازل شد. عالمان شیعه، از این روایات در دو جهت، سود می‌برند: نخست، اثبات سلامت قرآن از تحریف و دوم، ردّ روایاتی که ظاهر آنها موهم تحریف است؛ زیرا هنگام تعارض روایات، آن دسته که به لحاظ سند یا معنا ضعیف است، ساقط می‌گردد و در اینجا مصداق روایات ضعیف، روایات دسته دوم است که موهم تحریف قرآن‌اند. [۱۴] علاوه بر این، تنافی آنها با قرآن، مطابق نصوص، این روایات را از اعتبار، ساقط می‌گرداند.

#### پانویس

۱. ↑ حرّ عاملی، مجد بن حسن، وسائل الشیعة، ج ۲۷، ص ۱۱۰.
۲. ↑ کلینی، مجد بن یعقوب، الکافی، ج ۱، ص ۶۹.
۳. ↑ معرفت، مجدهادی، صیانة القرآن من التحریف، ص ۵۱.
۴. ↑ مجلسی، مجد باقر، بحار الأنوار، ج ۷۴، ص ۱۳۴.
۵. ↑ مجلسی، مجد باقر، بحار الأنوار، ج ۸۹، ص ۲۶.
۶. ↑ مجد ری شهری، مجد، دانش‌نامه قرآن و حدیث، ج ۹، ص ۴۱۸، ح ۱۹۵.
۷. ↑ مجد ری شهری، مجد، دانش‌نامه قرآن و حدیث، ج ۹، ص ۴۱۸ - ۴۷۳.
۸. ↑ طوسی، مجد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، ج ۱، ص ۳.
۹. ↑ خوبی، ابوالقاسم، البیان، ص ۲۱۱ - ۲۱۴.
۱۰. ↑ مجمع فرهنگ و معارف قرآن کریم، دایرة المعارف قرآن کریم، ج ۶، ص ۲۲۸.
۱۱. ↑ کلینی، مجد بن یعقوب، الکافی، ج ۱، ص ۲۷۶.
۱۲. ↑ کلینی، مجد بن یعقوب، الکافی، ج ۱، ص ۲۹۵.
۱۳. ↑ طوسی، مجد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، ج ۱، ص ۲.
۱۴. ↑ کعبی، علی مرتضی، سلامة القرآن من التحریف، ص ۲۱-۲۴.

#### منبع

سایت حدیث‌نت، برگرفته از مقاله « ادله روایی عدم تحریف قرآن» تاریخ بازبینی ۱۳۹۶/۱/۲۰.